

## آخرین تیر

### «بررسی تطبیقی اسطوره آرش و فیلوکتس»

ابراهیم خدایار<sup>۱\*</sup>، صابر امامی<sup>۲</sup>

۱. استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تربیت مدرس، تهران، ایران

۲. استادیار گروه نمایش، دانشگاه هنر، تهران، ایران

پذیرش: ۸۹/۷/۲۶

دریافت: ۸۹/۶/۱۴

#### چکیده

یافتن وجوه مشترک میان اسطوره‌های اقوام هم‌ریشه، امری بدیهی است. این مقاله اسطوره آرش را از ادبیات باستانی ایران با فیلوکتس<sup>۱</sup> از ادبیات باستانی یونان مقایسه می‌کند. براساس این اسطوره‌ها، قهرمان هر دو داستان با پرتاب تیری، به دو جنگ فرسایشی نسبتاً طولانی‌مدت در برابر دشمنانشان پایان می‌بخشد؛ بدین معنی تا زمانی که تیر و کمان آرش به کار نمی‌افتد، جنگ و گریز بی‌فرجام دوازده‌ساله ایران و توران به سرداری منوچهر و افراسیاب به سرانجام نمی‌رسد و تا وقتی که تیر و کمان فیلوکتس به میدان نمی‌آید، نبرد ده‌ساله یونانیان برای تسخیر تروا<sup>۲</sup> پایان نمی‌پذیرد. نویسندگان در این تطبیق، با توجه به اسطوره‌شناسی تطبیقی<sup>۳</sup>، شباهت‌های دو روایت را در دو بخش ساختاری و معنایی ذیل نه محور «نوع سلاح دو قهرمان و ارتباط آن با نیروهای مافوق بشری، دخالت خدایان در پرتاب تیر، ارتباط دو قهرمان با امر قدسی و پیوند آن دو با مکان‌های مقدس، فرجام کار قهرمانان از منظر مینوی، پایان‌دادن به دو جنگ فرسایشی، نقش محاصره در دو داستان و تأثیر اسطوره‌ها بر ادبیات پس از خود» و تفاوت‌های ساختاری و معنایی آن دو را ذیل هفت محور «مکان، زمان و ویژگی‌های آن، قالب روایت، انگیزه قهرمانان، ارزش‌های ملی، پایان کار دو نبرد و تفاوت در پایان کار قهرمانان از لحاظ مرگ و زندگی»، بررسی می‌کنند. نتایج بررسی، خویشاوندی و تجربه‌های مشترک اقوام هم‌خانواده هندو اروپایی را، که در حماسه‌ها و قصه‌های آن‌ها تجلی یافته است، نشان می‌دهند.

واژه‌های کلیدی: اسطوره‌شناسی تطبیقی، ادبیات باستانی ایران، ادبیات باستانی یونان، آرش کمانگیر، فیلوکتس.

Email: hesam\_kh1@modares.ac.ir

\* نویسنده مسئول مقاله:

1. Philoctetes
2. Troy
3. Comparative Mythology



## ۱. مقدمه

کندوکاو در ادبیات ملل جهان و بررسی تشابهات و تفاوت‌های آن‌ها با یکدیگر، ذیل رشته ادبیات تطبیقی<sup>(۱)</sup>، یکی از شاخه‌های مهم تحقیقات ادبی یک و نیم سده اخیر دوران ماست که تدوین قواعد علمی آن ذیل نام ادبیات تطبیقی به اوایل قرن نوزدهم در غرب مربوط می‌شود. مؤلفان کتاب *نظریه ادبیات* (۱۹۷۳، ترجمه به فارسی ۱۳۸۲)، معتقدند نخستین بار ماتیو آرنولد<sup>۱</sup> در سال ۱۸۴۸ با استفاده از اصطلاح «تاریخ تطبیقی» آمپر<sup>۲</sup>، این شاخه از پژوهش ادبی را ذیل ادبیات تطبیقی<sup>۳</sup> در زبان انگلیسی رایج کرد (ولک و وارن، ۱۳۸۲: ۴۰). ایو شورل<sup>۴</sup> در *ادبیات تطبیقی* (۱۹۸۹، ترجمه به فارسی ۱۳۸۶)، کاربرد ادبیات تطبیقی را برای نخستین بار در زبان فرانسه به سال ۱۸۱۷ می‌داند، سالی که از سوی ف. نوئل<sup>۵</sup> برای توصیف دروس انگلیسی ادبیات و اخلاق از منظر دروس فرانسوی و لاتینی به کار برده شده بود (شورل، ۱۳۸۶: ۲۴). آبل فرانسوا ویلمن<sup>۶</sup>، استاد دانشگاه دانشگاه سوربن، نخستین دانشمندی است که در سال ۱۸۲۷ برای نخستین بار این اصطلاح را در معنی امروزی خود در زبان فرانسه رایج کرد و بعدتر کسانی چون هیپولیت تن<sup>۷</sup>، گاستن باری<sup>۸</sup> و فردینان برونیترا<sup>۹</sup> اصول آن را تدوین کردند (غنیمی هلال، ۱۳۷۳: ۸۸-۱۰۷). برخی از منتقدان، این شاخه از تحقیقات ادبی را هنوز صاحب نظریه نمی‌دانند و ترجیح می‌دهند برای تعریف این اصطلاح از «روش» سخن بگویند تا نظریه (شورل، ۱۳۸۶: ۱۸۳). در هر صورت، این رشته همپا با سایر رشته‌های علمی تطبیقی در اوایل قرن نوزدهم میلادی در فرانسه پا گرفت و رفته‌رفته به دیگر کشورهای جهان نیز راه یافت (عبداللهی و دیگران، ۱۳۸۴: ۲۵۸). امروزه در کنار مکتب فرانسوی، مکتب امریکایی نیز اصولی را در اختیار پژوهشگران قرار می‌دهد که آن‌ها قادر می‌سازد به تحلیل ادبیات ملل جهان با یکدیگر و ادبیات هر زبان با گونه‌های منطقه‌ای همان زبان با زمینه‌های فرهنگی متفاوت پردازند.

1. Matthew Arnold
2. J.J. Ampere
3. Comparative Literature
4. Yves Chevreton
5. F. Noël
6. A.F. Willemain
7. Hippolyte Taine
8. Gaston Bédier
9. Ferdinand Brunetiere

## ۲. مسئله، فرضیه، روش و پیشینه تحقیق

نگارندگان در این مقاله با استفاده از دستاوردهای مکتب امریکایی ادبیات تطبیقی، آرش و فیلوکتس را از منظر اسطوره‌شناسی تطبیقی تحلیل خواهند کرد. مسئله اصلی این پژوهش این است که از منظر یاد شده چه تفاوت‌ها و شباهت‌هایی بین این دو اسطوره وجود دارد؟ فرضیه پژوهش بر این اساس استوار است که با علم به خویشاوندی اقوام هندو اروپایی، یافتن شباهت‌های بنیادین در اسطوره‌های ایران و یونان، در مقام دو ملت کهن آریایی، کاملاً علمی است (با عنایت به اصول مکتب امریکایی) و نیازی به آوردن اسناد دیگر، از جمله اطلاع آفرینندگان دو اسطوره از یکدیگر یا وجود ترجمه از این دو اسطوره در دو زبان (با عنایت به اصول مکتب فرانسوی)، احساس نمی‌شود.

پیشتر، نعمت میرزازاده نخستین‌بار در مقدمه کتاب *حماسه آرش* (۱۳۴۳: ۹-۱۰) به صورت بسیار مختصر و گذرا این دو اسطوره را بررسی کرده بود. وی در این مقدمه با اشاره به نقش این دو قهرمان در خاتمه‌دادن به نبردهای چندین ساله دو کشور به ارزیابی کار فیلوکتس و آرش اشاره کرده، ارزش کار آرش را که برای بازپس گرفتن وطن، جان خویش را فدا کرده است، بسیار برتر و بالاتر از ارزش کار فیلوکتس می‌نهد که براساس حماسه‌های یونانی «برای بازگرفتن هلن<sup>۱</sup>، همسر منلائوس<sup>۲</sup> پادشاه اسپارت<sup>۳</sup>، که همراه پاریس<sup>۴</sup>، مهمان شوهر خود، به تروا<sup>۵</sup> گریخته و به همسرش خیانت کرده است» (۱۰). ابراهیم خدایار نیز در شماره سوم هفته‌نامه *آزادی* در یادداشتی کوتاه با نام «تطبیق حماسه آرش کمانگیر و فیلوکتس» (۲۰ اسفند ۱۳۷۵: ۱۰) این دو اسطوره را در چهار محور ۱. بررسی اشخاص و قهرمانان دو داستان؛ ۲. دخالت نیروی خارق‌العاده در سرنوشت قهرمانان؛ ۳. تفاوت انگیزه‌ها و اهداف پهلوانان دو داستان و ۴. فرجام کار پهلوانان تحلیل کرده است.

روایت‌های مختلفی از اسطوره‌های یادشده در ادبیات مکتوب دو ملت وجود دارد که نگارندگان در این بررسی، اسطوره آرش را با استفاده از روایت بیرونی در کتاب *آثارالباقیه* (۱۳۶۳) و فیلوکتس را با استفاده از دو روایت سوفوکل<sup>(۲)</sup> (ح ۴۹۷-۴۰۶ پ.م)، (۱۳۳۵) و

1. Helen
2. Menelaus
3. Sprat
4. Paris
5. Troy



کارلوس پاراندا (Carlos Paranda, *the Greek Mythology Link*, 1997) مبنای تحلیل خود قرار داده، برخی تفاوت‌های بنیادین این روایت‌ها را، که در تحلیل‌ها اثرگذار هستند، از سایر منابع مهم ادبیات دو ملت پیش چشم داشته‌اند.

### ۳. چارچوب نظری

#### ۳-۱. اسطوره<sup>۱</sup>

اسطوره<sup>(۳)</sup> کلمه‌ای معرب است که فرهنگ‌نویسان دربارهٔ ریشهٔ آن اختلاف‌نظر دارند. برخی آن را از اصل سریانی دانسته‌اند (فرهنگ بزرگ سخن، ۱۳۸۲: ذیل «اسطوره»); اما بیشتر آن را برگرفته از واژهٔ یونانی - لاتینی یا یونانی هیستوریا<sup>۲</sup> می‌دانند (فرهنگ فارسی معین، ۱۳۷۱: ذیل «اسطوره»); آموزگار، ۱۳۸۸: ۵۳; اسماعیل‌پور، ۱۳۸۴: ۳۹۲) که به معنی «جستجو، آگاهی، روایت، شرح، تاریخ و داستان» است (همانجا). در فهم عامه و آنچه به تأثیر از سنت اسلامی و قرآنی دربارهٔ این کلمه در فرهنگ ایرانی و اسلامی رایج شده است؛ مترادف‌هایی نظیر «خیالی، خرافه، حکایت غیرواقعی، قصه، افسانه، سخن پریشان و بیهوده، سخن باطل، افسانهٔ محض و غیرواقعی» برای آن نوشته شده است (لغت‌نامهٔ دهخدا؛ فرهنگ فارسی معین، ذیل «اسطوره»؛ المعجم‌الوسیط، ۱۳۷۲: ذیل «الاسطوره»؛ آموزگار، ۱۳۸۸: ۵۳). از آنجا که تعریف‌های لوی استروس<sup>۳</sup> و میرچاده الیاده<sup>۴</sup> بیشتر به اهداف این تحقیق نزدیک‌تر است، به بررسی این دو تعریف بسنده می‌کنیم. در تعریف استروس به یکی بودن ساختارهای اصلی اسطوره‌ها و تکرار آن‌ها در فرهنگ‌های مختلف به شکل‌های دیگر و در نتیجه خویشاوندی بنیادین اساطیر ملل تأکید بیشتری دیده می‌شود، چیزی که کارل گوستاو یونگ<sup>۵</sup> نیز آن را به شکل دیگری بیان کرده است. استروس، اسطوره‌ها را «متشکل از مجموعه‌ای از روایات بدل خویش» می‌داند (شورل، ۱۳۸۶: ۱۰۹)، همان چیزی که در نظریهٔ یونگ نیز آمده بود: «بنابر نظریهٔ یونگ، موضوع اسطوره، جای در ناخودآگاه قومی نسل بشر دارد و شباهت میان اساطیر اقوام مختلف به خاطر آن است که همه، ریشه‌ای مشترک و موروثی دارند» (داده، ۱۳۸۳:

1. myth  
2. historia  
3. Lévi Strauss  
4. Eliade Mircea  
5. C.G. Jung

۳۶). *الیاده* در تعریف اسطوره نوشته است: «اسطوره نقل‌کننده سرگذشت قدسی و مینوی است، روای واقعه‌ای است که در زمان اولین، زمان شگرف بدایت همه‌چیز، رخ داده است. به بیانی دیگر اسطوره حکایت می‌کند که چگونه ... به برکت کارهای نمایان و برجسته موجودات مافوق طبیعی، واقعیتی، چه کل واقعیت: کیهان، یا فقط اجزایی از واقعیت: جزیره‌ای، نوع نباتی خاص، سلوکی و کرداری انسانی، نهادی، یا به عرصه وجود نهاده است» (الیاده، ۱۳۶۲: ۱۴). در تعریف الیاده، علاوه بر تأکید بر شکل روایی اسطوره، از نظر محتوایی به جنبه‌های قدسی و مینوی آن، پیوند اسطوره با آغاز آفرینش کیهان، اشیا، نبات و حیوان یا سلوک و کرداری انسانی اشاره شده، و در ادامه، دخالت نیروهای مافوق طبیعی در خلق آن نیز برجسته شده است.

## ۳-۲. گزارش دو داستان

### ۳-۲-۱. آرش<sup>(۴)</sup>

آگاهی ما از روایت‌های حماسی در ایران پیش از اسلام به توصیف‌های کوتاه *اوستا* در برخی از یشت‌های این کتاب خلاصه می‌شود (تفضلی، ۱۳۷۸: ۴۷؛ خالقی مطلق، ۱۳۸۶: ۷۳۸/۲؛ رضی، ۱۳۴۶: ۱۴۰). داستان آرش نیز نخستین‌بار در یشت هشتم، کرده چهارم (بندهای ۶، ۷، ۳۷ و ۳۸) تنها در تشبیهی به آن اشاره شده است «و این قدیم‌ترین منبعی است که در آن، نام این قهرمان آمده است» (تفضلی، ۱۳۷۸: ۵۱-۵۲). در ادبیات پهلوی نیز آگاهی بسیار کوتاهی درباره آرش به چشم می‌خورد. یکی در رساله *ماه فروردین روز خرداد* (متون پهلوی، بند ۲۲، ص ۱۰۴) در مورد بازستاندن زمین ایران از افراسیاب از سوی منوچهر و آرش (ایرش شیبگ‌تیر<sup>۱</sup>) و دیگری در مینوی خرد (بند ۴۴) بدون بردن نام آرش به واقعه یاد شده در رساله پیشین اشاره شده است (تفضلی، ۱۳۶۴: ۴۴ و ۱۲۹-۱۳۱).

در کتاب‌های تاریخی دوره اسلامی، آگاهی‌هایی به نسبت کامل‌تر از این اسطوره دیده می‌شود. ظاهراً نخستین کتاب در این زمینه، *اخبارالطوال* دینوری، تألیف شده در نیمه نخست قرن سوم هجری، است. نام آرش در این کتاب «ارسناس» است. روایت این کتاب از زندگی آرش فاقد هر نوع خمیرمایه حماسی است. آرش در این روایت برخلاف داستان مشهور، در زمان زاب بودکان پسر منوچهر ظاهر می‌شود و از شواهد امر برمی‌آید که در زمان منوچهر

1. Eraxša

2. Erāš ī Šēbāg-tīr



«مأمور تعلیم تیراندازی به مردم» بوده است و پس از شرکت در جنگ بین زاب و افراسیاب در خراسان، انتقام خون منوچهر را از افراسیاب ستانده، با تیری افراسیاب را هدف قرار داده، قلبش را می‌شکافد و او را به قتل می‌رساند. براساس این روایت شاذ و نادر، وی در زمان پادشاهی خسرو پرویز کشته می‌شود و در جهان «نیک‌نام و بلندآوازه» می‌شود (ابوحنیفه دینوری، ۱۳۴۶: ۱۰-۱۱، ۹۵). یعقوبی در تاریخ یعقوبی، تألیف شده در نیمه دوم قرن سوم هجری، هیچ اشاره‌ای به آرش و حوادث دوران منوچهر ندارد و تنها به ذکر سال‌های حکومت پادشاهان ایران بسنده کرده، درباره حوادث اساطیری دوران آن‌ها، معتقد است که پارسیان برای پادشاهان خود چیزهای بسیاری ادعا می‌کنند عقل آن‌ها را نمی‌پذیرد. وی این امور را در شمار بازی‌ها و یاوه‌گویی‌های بی‌حقیقت قرار می‌دهد (یعقوبی، ۱۳۷۴: ۱۹۳-۱۹۴). سومین کتاب مهم تاریخی، تاریخ طبری، تألیف شده در اواخر قرن سوم و دهه نخست قرن چهارم هجری، است. زندگی ارششباطیر (تصحیف ایرش شیبگاتیر پهلوی) اندکی رنگ و بوی حماسی به خود می‌گیرد. بدین ترتیب که پس از محاصره منوچهر از سوی افراسیاب در طبرستان و قرار صلح بین آن دو، تیر آرش مرز بین دو کشور را تعیین خواهد کرد. وی که یکی از مردان منوچهر است «تیری در کمان نهاد و رها کرد و نیروی بسیار داشت و تیرش از طبرستان تا رود بلخ رسید و آنجا افتاد... و از تیر ارششباطیر جنگ میان افراسیاب و منوچهر به پایان رسید (طبری، ۱۳۷۵: ۲۸۹/۱-۲۹۰). پس از این واقعه، به فرمان منوچهر تیراندازی به کار جنگاوران افزوده و فرماندهی آن نیز به آرش سپرده می‌شود (همانجا).

از تاریخ طبری تا آثارالباقیه بیرونی (تاریخ تحریر اول ۳۹۰ق)، که نخستین بار داستان آرش به شکل کاملاً اسطوره‌ای ظاهر می‌شود، چهار کتاب تاریخی مهم دیگر درباره تاریخ پیش از اسلام ایران نوشته شده است. در دو کتاب مروج‌الذهب و معادن‌الجواهر مسعودی (تاریخ اتمام تألیف ۳۳۶ق) و تاریخ سنی ملوک‌الارض و الانبیاء حمزه اصفهانی (تألیف حدود ۳۵۱ق)، به‌رغم ذکر پادشاهی منوچهر و زاب یا زو، هیچ اشاره‌ای به داستان آرش دیده نمی‌شود (مسعودی، ۱۳۵۶: ۲۲۰/۱-۲۲۱؛ حمزه اصفهانی، ۱۳۴۶: ۳۴-۳۵). در دو کتاب دیگر، یعنی تاریخ بلعمی (تألیف بین ۳۵۲-۳۵۵) و آفرینش و تاریخ مقدسی (تألیف ۳۵۵ق) زمینه شکل‌گیری روایت حماسی این داستان در آثارالباقیه بیرونی مهیا می‌شود. روایت بلعمی

صرف‌نظر از تفاوت در ذکر نام آرش به شکل امروزی و آوردن چند لقب مشهور برای وی (مرد قوی، تیراندازترین مرد) و نیز مشخص‌کردن محل تیراندازی (کوه دماوند) و جای فروآمدن آن (راست جیحون)، نقل از ترجمه تاریخ طبری است. افزوده‌شدن دماوند به این روایت، آن را به سمت اسطوره سوق داده است (بلعمی، ۱۳۴۱: ۳۴۶-۳۴۹). مقدسی در روایت خود ظاهراً با در اختیار داشتن چند روایت مختلف از این داستان، با تغییر محل فرودآمدن تیر به طخارستان، یک نکته حماسی به داستان افزوده - پایان کار آرش - که در تواریخ قبلی به آن اشاره نشده بود: «و آرش بر جای خویشتن بمرده» (مقدسی، ۱۳۷۴: ۵۰۴/۱). مقدسی در ادامه با توسل به امر قدسی؛ به تأویل و تفسیر این داستان پرداخته، با اذعان به اختلاف بر سر اصل این حکایت، معتقد است اگر داستان صحت داشته باشد «خدای تعالی بادی فرستاد که تیر را ربود و به جایی که افتاد، افکند. بعضی چنین پنداشته‌اند که خدای تعالی فرشته‌ای را فرستاد تا تیر را برگرفت و در آنجا که فرود آمد، نهاد» (همانجا). وی در ادامه با پذیرش این نکته که اگر ما نبوت و پیامبری را در تأویل قصه به کناری نهیم «معنی این داستان این خواهد بود که آن دو [منوچهر و افراسیاب] به تیراندازی پرداختند و برتری برای کسی بود که بر طبرستان تا طخارستان چیره شود» (همانجا).

روایت بیرونی از داستان آرش (۱۳۵۲: ۳۳۴-۳۳۵)، به دلایل مختلف، از جمله آشنایی وی با منابع تاریخ ایران باستان و دسترسی وی به *اوستا* (به واسطه یا بی‌واسطه)، آن‌گونه که خود در متن داستان به آن اشاره کرده (۳۳۵)، کامل‌ترین روایت حماسی از این داستان است؛ هرچند تغییر محل پرتاب تیر از رویان به دماوند توسط بلعمی آن را حماسی‌تر کرده است. به غیر از این تغییر، هیچ مورخی نتوانسته است کوچک‌ترین تغییری در ماهیت حماسی این روایت ایجاد کند؛ هر تغییری هم که ایجاد شده در جهت دورکردن روح حماسی از آن بوده است.

پس از بیرونی، از قرن چهارم تا نیمه نخست قرن دهم، در هشت متن مهم تاریخی به داستان آرش اشاره شده است. روایت ثعالبی (تألیف بین ۴۰۸-۴۱۲) از نظر دخالت امر قدسی و پایان کار آرش به روایت مقدسی نزدیک است (۶۰-۶۱)، هرچند نکته جدیدی از نظر جای فرودآمدن تیر، یعنی کوزین، تصحیف گوزبن در کتاب *مینوی خرد*، به آن افزوده است؛ روایت *مجم‌التواریخ* (تألیف ۵۲۰ق) روایتی خنثی از آرش است که به حذف دخالت نیروی مافوق طبیعی و پایان کار وی انجامیده است (۴۳، ۹۰)؛ صاحب *تاریخ طبرستان* (تألیف بین



۶۰۶-۶۱۳) به جای امر قدسی، دخالت طلسم و نیرنگ را به داستان افزوده (۶۱-۶۲)؛ تاریخ کامل ابن اثیر (تألیف ۶۲۸ق) ضمن بیان داستان، همانند یعقوبی مسافت پیموده شده توسط تیر آرش را «شگفت‌ترین دروغی می‌داند که ایرانیان میان خود می‌چرخانند» (۱۸۶/۱)؛ روایت منهای سراج (تألیف ۶۵۷-۶۵۸ق) شبیه تاریخ طبرستان (دخالت طلسم) و تاریخ طبری (پایان کار آرش) است (۱۴۰-۱۴۱)؛ روایت تاریخ گزیده (تألیف ۷۳۵ق) شبیه تاریخ طبرستان (۸۶-۸۷) و روایت‌های روضه‌الصفاء (تألیف نیمه دوم قرن هشتم)، (۱۱۸/۱-۱۱۹) و حبیب‌السیر (تألیف بین ۹۲۷-۹۳۰)، (۱۸۵-۱۸۶) همانند تاریخ طبری و بلعمی است.

### ۲-۳. طرح داستان فیلوکتتس<sup>(۵)</sup>

هراکلیس<sup>۱</sup> قصد دارد در معبد مقدس قربانی بدهد، به همین دلیل ملازمش، لیچاس<sup>۲</sup>، را برای آوردن لباس مخصوص نزد همسرش دیانیرا<sup>۳</sup> می‌فرستد. لیچاس در این مأموریت، ماجرای عشق‌بازی هراکلیس را با دختر اوریتوس<sup>۴</sup> به دیانیرا گزارش می‌دهد. وقتی دیانیرا از قصه باخبر می‌شود، فکر می‌کند زمان آن رسیده تا برای جلب محبت همسرش، پیراهن وی را با طلسم عشق، که زمانی نسوس<sup>۵</sup> با فریبکاری به او داده بود، تدهین کند؛ بنابراین فرصت را مناسب یافته، پیراهن را با سمی که نسوس به نام طلسم عشق به او داده بود، آغشته می‌کند؛ غافل از آنکه با این کار شوهرش را به آغوش مرگ خواهد فرستاد. لیچاس پیراهن آغشته به سم را به هراکلیس می‌رساند. وقتی هراکلیس آن را می‌پوشد، ماده سمی بی‌درنگ پوستش را می‌سوزاند. هراکلیس لینچاس را به دریا می‌اندازد و او را می‌کشد؛ اما مرگ لینچاس هم باعث بهبودی هراکلیس نشده، حال او روزبه‌روز وخیم‌تر می‌شود. دوستان هراکلیس برای کشف علت وضعیت او به معبد دلفی<sup>۶</sup> می‌روند. دیانیرا نیز شرمسار از خطایی که مرتکب شده، خود را حلق‌آویز می‌کند. در دلفی پیش‌گویی به آن‌ها می‌گوید تنها راه نجات هراکلیس این است که او را بر کوه اواتا<sup>۷</sup> ببرند و توده‌ای از هیزم دور او جمع کنند و بقیة ماجرا را به زئوس<sup>۸</sup> واگذار کنند. هراکلیس، ناامید از همه چیز،

1. Heracles
2. Lichas
3. Deianira
4. Oritus
5. Nessus
6. Delphi
7. Oeta
8. Zeus



بالای کوه می‌رود؛ اما در آنجا از هر که می‌خواهد هیزم‌ها را آتش بزند، کسی جز فیلوکتس حاضر به این کار نمی‌شود. فیلوکتس از اینجا وارد داستان می‌شود. شهرت فیلوکتس تنها به این دلیل نبود که برای مردن مردی معروف تلاش کرده؛ بلکه برای این بود که سلاح این مرد را نیز به دست آورده بود؛ زیرا فیلوکتس برای اطاعت از دستور هراکلیس تیر و کمان او را، به جای پادشاه دریافت کرده بود.

سال‌ها بعد از مرگ هراکلیس، پاریس، فرزند پریام<sup>۱</sup> شهریار تروا، به اسپارتابا می‌آید و ملکه هلن<sup>۲</sup> را فریب داده، با خود به تروا می‌گریزند. برای بازگرداندن ملکه، کشتی‌های جنگی و سپاه عظیمی جمع می‌شوند. سرداران برای حمله به تروا با یکدیگر متحد می‌شوند. فیلوکتس نیز که با سرداران هم‌قسم شده بود، با هفت کشتی به آن‌ها می‌پیوندد. سپاه پس از گذشتن از دریا به جزیره تِنِدُس<sup>۳</sup> می‌رسد که در آنجا اتفاقات ناخوشایندی رخ می‌دهد. طی حادثه‌ای پادشاه تنس<sup>۴</sup> کشته می‌شود. سپاهیان تصمیم می‌گیرند برای دفع بلا قربانی بدهند. در حال انجام مراسم، ماری از معبد بیرون می‌خزد و فیلوکتس را نیش می‌زند. از آنجا که زخم فیلوکتس قابل درمان نبود و بویی که از آن بلند می‌شد غیرقابل تحمل بود، یکی از فرماندهان سپاه تصمیم می‌گیرد برای رهایی از دست فیلوکتس، او را به جزیره لمنوس - جایی که کشتی آن‌ها بعد از ترک تنس به آنجا می‌رسد - رها کنند؛ بنابراین سپاه یونان، فیلوکتس را با سلاحی که از هراکلیس پادشاه گرفته بود و جامه‌های مندرس و اندکی آذوقه در جزیره متروک لمنوس ترک می‌کنند.

سال‌ها از جنگ می‌گذرد؛ اما یونانی‌ها نمی‌توانند در جنگ تروا پیروز شوند، تا اینکه سال دهم جنگ، پیش‌گویی به یونانی‌ها می‌گوید اگر آن‌ها، تیروکمان هراکلیس را در سپاه خود داشته باشند تروا را شکست خواهند داد. بعد از شنیدن حرف‌های پیش‌گو، یونانی‌ها اودوسئوس<sup>۵</sup> و دیومدیس<sup>۶</sup> را به جزیره لمنوس می‌فرستند تا به هر طریق ممکن فیلوکتس را بیاورند؛ لیکن وی حاضر نمی‌شود به یاری کسانی که اینگونه با او به‌سختی رفتار کرده‌اند، بشتابد. عاقبت هراکلیس بر او ظاهر می‌شود و او را وادار می‌کند که به نزد یونانیان برود و آن‌ها را در تسخیر تروا یاری نماید. بزرگ‌ترین پیروزی فیلوکتس در جنگ تروا تیراندازی به پاریس است؛ پاریس

1. Parim
2. Queen Helen
3. Tenedos
4. King Tenes
5. Odysseus
6. Diomedess



بر اثر تیر سمی فیلوکتس با مرگی دردناک می‌میرد. بعد از جنگ، فیلوکتس به خانه‌اش در ملیبوئی<sup>۱</sup> بازمی‌گردد و از آن‌جا به کمپانیا<sup>۲</sup> در ایتالیا رحل مکان می‌کند (سوفوکل، ۱۳۳۵: ۱-۲؛ Paranda, 1997; Haigh, 1986, 194-198; گریمال، ۱۳۵۶: ۲۲۳-۲۲۵؛ هومر، ۱۳۴۹: ۲۳).

#### ۴. بحث و بررسی

##### ۴-۱. مشابهت‌ها

##### ۴-۱-۱. ساختاری

##### ۴-۱-۱-۱. در هر دو تیر، سلاح قهرمانان کمان است

در اوستا و متون پهلوی پیش از اسلام و نیز منابع تاریخی اسلامی، آرش بهترین تیرانداز معرفی می‌شود. کمانداری از لشکر منوچهر و خداوند تیر شتابنده. فیلوکتس نیز این کمان را از هراکلیس به ارث برده است، کمانی که آخرین تیر جنگ تروا از آن رها خواهد شد.

##### ۴-۱-۱-۲. کمان هر دو قهرمان غیرعادی است و ساخت آن با نیروهای مافوق بشری ارتباط دارد

در روایت بیرونی تیر آرش به دستور فرشته اسفندارمذ ساخته می‌شود و بنا بر برخی روایت‌ها چوب، پر، و آهن لازم برای این تیر و کمان هر کدام از جنگل و عقاب و معدن خاصی تهیه شده است (ثعالبی، همانجا). کمان هراکلیس، هدیه آپولو<sup>۳</sup>، پسر زئوس، است که تیرهای آن هرگز به خطا نمی‌روند و چون به زهر هیدرا<sup>۴</sup> آغشته شده، مهلک هستند. همین تیر و کمان به فیلوکتس به ارث رسیده است (کات، ۱۳۷۷: ۱۷۶). آپولو در اساطیر یونان، خدای انتقام‌جو با تیرهای هلاک‌کننده است. این خدا، خدای کماندار و کمانکش با کمانی سیمین توصیف شده است (شوالیه و گربران، ۱۳۸۴: ۵۰/۱-۵۱).

##### ۴-۱-۱-۳. هر دو تیر به وسیله نیروهای غیبی به سوی هدف هدایت می‌شوند

درباره دخالت امر قدسی و غیبی و یا طلسم در هدایت تیر آرش در رسیدن به هدف در بخش

1. Meliboea  
2. Campania  
3. Apollo  
4. Hydra

پیشین سخن گفته شد. هرچند به طور مستقیم اصابت تیر فیلوکتس از سوی تراژدی‌نویسان تصویر نشده است؛ اشاره‌ها و قراینی مبنی بر اینکه عوامل غیبی در این پایان‌بندی نقش اساسی دارند، وجود دارد. یکی از مشخص‌ترین این صحنه‌ها آنجایی است که وقتی فیلوکتس از رفتن به تروا خودداری می‌کند هراکلیس، پسر خدا، بر فراز ابرها در جزیره لمنوس ظاهر می‌شود و فیلوکتس را برای رفتن به تروا تشویق و هدایت می‌کند و خود را پیام‌رسان خدا می‌داند:

هراکلیس: صبر کن، ای پسر پوئیس<sup>۱</sup>، تأمل کن و سخنان مرا به‌درستی بشنو! من هراکلیسم و این نیز از خود من است، از جایگاه رفیع خود در آسمان آمده‌ام تا فرمان زئوس را بر تو برسانم ... با این سلاح من، پاریس را، که منشأ این همه فساد و خونریزی شده است، به هلاکت رسانی؛ آنگاه شهر تروا را ویران کنی و غنایم بسیار گرفته، روانه «اواتا» شوی (سوفوکل، ۱۳۷۵: ۷۷).

#### ۴-۱-۱-۴. هر دو قهرمان با مکانی اسطوره‌ای و مقدس ارتباط دارند

درباره آرش گفته‌اند محل پرتاب تیر در اوستا کوه «ئیریوخشوت»<sup>۲</sup> ذکر شده که نمی‌توان جای دقیق آن را معین کرد (اوشیدری، ۱۳۷۱: ۸۵-۸۹). در منابع اسلامی محل پرتاب تیر طبرستان، کوه رویان، قلعه آمل، کوه دماوند یا ساری دانسته شده است. همه مکان‌هایی که درباره محل پرتاب تیر از آن‌ها یاد شده، بر سلسله جبال البرز قرار دارد؛ اما اینکه دقیقاً کدام قلعه و نقطه آن بوده، محل اختلاف است. بنابر نقل جغرافیدانان، البرز همان کوه قاف است (پورنامداریان، ۱۳۶۷: ۲۹۳).

اما لمنوس، جزیره‌ای که فیلوکتس نه سال در آن به سر برد، زجر کشید، نالید و به درگاه خدایان استغاثه کرد؛ یکی از آن مکان‌هایی است که به عقیده یان کات «جزیره تمامی اسطوره‌هاست» (کات، ۱۳۷۷: ۱۷۲). ملویل معتقد است تاریخ اسطوره‌ای جهان در آن به نمایش در می‌آید (همان، ۱۶۶). این جزیره محل رویش علف معجزه‌آسایی است که درد غیرعادی فیلوکتس را تسکین می‌دهد (سوفوکل، ۱۳۷۵: ۳۶).

1. Poetas  
2. Airyō Xšaoθa



#### ۴-۱-۵. هر دو قهرمان، مقدس و پاکاند و به فرمان خداوند عمل می‌کنند

یکی از لقب‌های آرش در متون پهلوی و اسلامی شیواتیر است، و شیواتیر کسی است که تیر او یا خود او همچون شیوا، یکی از سه ایزد بزرگ هندوان، مقدس است، درباره شیوا نوشته‌اند: «شیوا<sup>۱</sup> یا رشوا (خوش‌یمن، سعادت‌مند) ایزد بزرگ هندیان باستان، که با برهما<sup>۲</sup> و ویشنو<sup>۳</sup> تثلیث آیین هندو را تشکیل می‌داد، سه چشم دارد که به ترتیب نماینده فروغ خورشید، ماه و آتش است و سرچشمه روشنایی زندگی، که به زمین و آسمان پرتو می‌افکند. سه چشم شیوا، زمان گذشته و حال و آینده را در آن واحد می‌بیند (یا حقی، ۱۳۷۵: ۲۸۲). تأکید متون بر بدن سالم آرش و تشبیه او به شیوا همانند یک الهه و عنایت اهورامزدا و اسفندارمز و دیگر مقدسان در کمک به او، همه به خوبی نشان می‌دهند که آرش مرد مقدسی<sup>(۴)</sup> است، نظر کرده و انتخاب شده برای یک امر خطیر که باید انجام بدهد، به‌ویژه تأکید خود آرش بر اینکه او با همین بدن سالم بعد از پرتاب تیر جان خواهد باخت.

در این زمینه، درباره فیلوکتس، باید تأمل بیشتری کرد. زخمی بر اثر نیش مار تا ده سال بهبود نمی‌یابد تا اینکه سرانجام به وسیله پسران «اسکلپیوس»،<sup>۱</sup> خدایی که مار تجسم آن است، درمان می‌شود. فیلوکتس، برگزیده خدایان است. زخم علاج‌ناپذیرش نوعی زخم مقدس است. او با این زخم در نظر مردم به یک جذامی، به یک انسانی با فریادهای جانخراش و زخمی بدبو، غیرقابل تحمل تبدیل می‌شود. اینگونه به تنهایی ده ساله، در جزیره‌ای متروک و اسطوره‌ای محکوم می‌شود و همین تنهایی و رنج، او را می‌پالاید و به خدایان نزدیک می‌کند و به تقدس می‌رساند. زخم فیلوکتس، بی‌آنکه بداند، همان قدرت اوست، و همین زخم است که او را به خدایان می‌رساند و هراکلیس را بر آن می‌دارد تا اسکلپیوس را به مداوای او به تروا بفرستد، تا او قهرمان محبوب این جنگ به بن‌بست رسیده شود.

#### ۴-۱-۲. معنایی

##### ۴-۱-۲-۱. هر دو شخصیت اسطوره‌ها، به پایان رساننده دو جنگ طولانی و فرسایشی هستند

در هر دو داستان، جنگ به بن‌بست رسیده است و با همه تلاش‌های قهرمانان و پهلوانان، نقطه

1. Shiva  
2. Brahma  
3. Vishnu  
4. Aesculapius

پایانی نمی‌یابد. جنگ ایران و توران دوازده سال طول کشیده (در برخی منابع هفت سال. ر.ک: اوشیدری، ۱۳۷۱: ۸۵) و جنگ یونانی‌ها و تروایی‌ها به دهمین سال خود رسیده است.

۲-۱-۴. در هر دو اسطوره، محاصره مرکزیت هستی دو ملت، جنگ را به نقطه پایان نزدیک می‌کند

در روایت ایرانی، تورانیان پادشاه ایران، منوچهر را، در طبرستان محاصره کرده‌اند و در جنگ تروا، یونانیان، همه شهر و به دنبال آن پادشاه آن یعنی پریام را محاصره کرده‌اند. کماندار در داستان ایرانی در گروه محاصره شده و در داستان یونانی، در گروه محاصره‌کننده است.

۳-۱-۴. پایان کار دو قهرمان مینوی است

آرش، به فرمان منوچهر، که از خداوند فرمان گرفته بود، جان خود را در تیر می‌نهد و با پرتاب تیر، هستی مادی‌اش را ترک می‌گوید و محبوب یک ملت می‌شود تا آنجا که جشن تیرگان به سان یک جشن ملی، حتی اگر قبل از او موجود بوده باشد، با نام او گره می‌خورد و با حماسه او درهم می‌آمیزد. پایان کار فیلوکتتس نیز هرچند به مرگ ختم نمی‌شود و به اصطلاح منتقدان به خوشی ختم می‌شود، مینوی است.

۴-۱-۴. به‌رغم شهرت و آوازه دو داستان، گزارش آن در حماسه‌های بزرگ ملی دو قوم به صورت خلاصه و یا تلمیح‌گونه آمده است، با این همه، هر دواثر بر آثار بعد از خود تأثیر گذاشته‌اند

داستان آرش در بزرگ‌ترین منظومه حماسی ایران، شاهنامه، نیامده است. این داستان، در کتاب حکیم توس نیز، همچون *اوستا*، فقط به تلمیح به آن اکتفا شده است (رستگار فسایی، ۱۳۷۹: ۹/۱-۱۱). داستان فیلوکتتس نیز در دو حماسه بزرگ یونان، *ایلیاد* و *اودیسه*، حضوری کم‌رنگ دارد. از این قهرمان در *ایلیاد* هومر و در طرح داستان تروا فقط تا جزیره لمنوس یادشده است و پس از آن، خبری از وی نیست. مخاطب با این قهرمان در *ایلیاد* در سرود دوم به صورت مختصر آشنا می‌شود (هومر، ۱۳۴۹: ۱۱۰؛ گریفین، ۱۳۷۶: ۹-۱۴). در *اودیسه* نیز فقط نام وی و پدرش در سرود سوم از زبان نستور<sup>۱</sup> شنیده می‌شود و بس (هومر، ۱۳۳۷: ۵۵).

1. Nestor



اسطوره آرش از سال ۱۳۳۷ تولدی دوباره یافت و مورد توجه ایرانیان قرار گرفت. در ادب معاصر بنا به گفته دکتر شفیعی کدکنی (۱۳۵۲: ۱۶) «فضل تقدم در احیای این اسطوره حماسی از آن احسان یارشاطر است که براساس متون قدیمی و تلفیق چند روایت، داستان آرش را با نثری شیرین در کتاب *داستان‌های ایران باستان* [تهران، ۱۳۳۸] تحریر کرد». این روایت با یکی دو تغییر کوتاه در محل پرتاب و فرود آمدن تیر و نثر امروزی آن، همان روایت بیرونی است. پرتاب تیر از فراز دماوند و فرود آمدن آن بر گردویی در کنار رود جیحون نیز برگرفته از روایت *تاریخ بلعمی* است. پس از آن تاکنون، این داستان در قالب‌های گوناگون نوقی و پژوهشی بازآفرینی شده است. از آن جمله است: ۱. «آرش کمانگیر» (تهران: ۱۳۳۸) در قالب شعر نیمایی از سیاوش کسرای؛ ۲. *آرش تیرانداز* (در چاپ دوم با نام *آرش شیواتیر*، تهران: توکا، ۱۳۵۷) مشتمل بر قصیده‌ای بلند، نمایشنامه و داستان آرش به نثر از ارسلان پوریا؛ ۳. *آرش در قلمرو تردید* (تهران: ۱۳۴۲) در قالب داستان کوتاه از نادر ابراهیمی؛ ۴. *حماسه آرش* (مشهد: توس، ۱۳۴۳) چکامه‌ای مشتمل بر ۱۱۴ دوبیتی نو بر وزن هزج مسدس محذوف از مهرداد اوستا.

حول داستان فیلوکتس در دوره مدرنیسم در غرب، آثار فراوانی در زمینه‌های گوناگون هنری آفریده شده است. از جمله در ادبیات نمایشی (آندره گاید: *فیلوکتس*)؛ در شعر (میشل آنداژه: *شب به خیر*، *فیلوکتس در جزیره*)؛ در رمان (مارک مرلیس: *تیرانداز*)؛ در سینما (دیزنی، *هرکول* ۱۹۹۷؛ در تلویزیون (دانیل دنی - اشنه، *هدایای یونانیان*)؛ در نقاشی (جیس بری، *فیلوکتس در جزیه لمنوس*) و در مجسمه‌سازی (هرمن ویلهلم بیس، *فیلوکتس زخمی*). [6 Oct. 2008]

## ۴-۲. تفاوت‌ها

### ۴-۲-۱. ساختاری

#### ۴-۲-۱-۱. مکان روایت

داستان آرش در شمال و شمال شرقی فلات ایران، در مرزهای ایران و توران اتفاق افتاده

1. Philoctet by Andre Guide
2. The good night, Philoctets on The Island by Michel Ondaatje
3. An Arrow's Flight by Mark Merlis
4. Hercules by Disney
5. Greeks Bearing Gifts By Daniella Denby-Ashe
6. Philoctets on the Island of lemons by James Barry
7. Wounded Philoctets by Herman Wilhelm Bissn

است، داستان فیلوکتتس در یونان و تروا (تیة حصارلیق، گوشة شمال غربی آسیای صغیر در منطقه اژه، ترکیه کنونی).

#### ۲-۱-۲. زمان روایت و ویژگی‌های آن

داستان آرش همانند داستان‌هایی که به دوره پیشدادیان و کیانیان در ادبیات ایران پیش از اسلام مربوط می‌شوند، بنیادی اسطوره‌ای دارند. زمان وقوع این داستان در دوره منوچهر پیشدادی است؛ از این منظر، داستان آرش در دوره‌ای به وقوع پیوسته که ایران دارای وحدت ملی و سرزمینی بوده و پادشاهی واحد بر آن فرمانروایی می‌کرده است. بیشتر داستان‌های اسطوره‌ای این دوران، نخستین بار در *یشت‌های اوستا* گزارش شده است. *اوستا* شناسان تاریخ تألیف بخش‌های پنجگانه *اوستا* را براساس ویژگی‌ها و قدمت زبانی به دو دسته تقسیم کرده‌اند: متون گاهانی و متون *اوستایی* متأخر. گاهان (مندرج در *یسن‌های کنونی*) و بخش اعظم *یسن‌ها* از متون گاهانی هستند که زمان سرایش آن‌ها به حدود هزار سال پ.م مربوط است. تاریخ تألیف متون *اوستایی* متأخر به روشنی مشخص نشده است. قدیم‌ترین بخش آن، یعنی *یشت‌ها*، حدود نه یا هشت قرن پیش از میلاد نوشته شده است (تفضلی، ۱۳۷۸: ۳۷، ۴۰)؛ بنابراین تاریخ نخستین زمان تألیف داستان آرش به صورت مکتوب به هشتصد تا نهصد سال پیش از میلاد مربوط می‌شود. از آنجا که این داستان در زمان تألیف *یشت‌های اوستا* کاملاً شناخته شده بود، روایت شفاهی آن را باید دست‌کم به بعد از ظهور زردشت در حدود ۱۲۰۰-۱۰۰۰ پ.م میلاد دانست (اسماعیل‌پور، ۱۳۸۴: ۳۹۳/۱)؛ بنابراین داستان زندگی آرش در پس از ظهور زرتشت اتفاق افتاده؛ به روزگار یکتاپرستی ایرانیان، اهورامزدا، مربوط است.

اصل داستان فیلوکتتس مربوط به دوره جنگ‌های ترواست. از این منظر، یونان دارای وحدت ارضی و ملی نبوده، شهرهای آن به صورت مستقل اداره می‌شده و بعضاً یک منطقه دارای دو پادشاه بوده است. پژوهشگران تاریخ فتح تروا را به سال ۱۱۸۴ پ.م برابر می‌دانند (گریفین، ۱۳۷۶: ۹). تاریخ تألیف منظومه *ایلیاد* به ۷۲۵ پ.م و *ودیسه* به قرن ششم پیش از میلاد مربوط می‌شود (همان، ۱۵). تاریخ تألیف *نمایشنامه فیلوکتتس* از سوی سه تراژدی‌نویس بزرگ یونانی، یعنی آشیل (۵۲۵-۴۶۵ پ.م)، اورپیدس (۴۸۰-۴۰۶ پ.م) و سوفوکل (۴۹۷-۴۰۶ پ.م) به قرن پنجم پ.م می‌رسد؛ بنابراین زمان روایت شفاهی آرش از روایت شفاهی فیلوکتتس متأخرتر؛



اما روایت مکتوب این دو اسطوره تقریباً با هم برابر است. از سوی دیگر دوره آفرینش داستان فیلوکتتس، عصر چندخدایی در یونان است، دوره آمیزش خدایان با انسان‌ها (گریفین، ۱۳۷۶: ۲۰).

### ۳-۱-۲-۴. قالب روایت

روایت زندگی آرش در کامل‌ترین شکل خود، در قالب حکایتی اسطوره‌ای و کوتاه (۲۵۳ کلمه) روایت می‌شود؛ اما روایت زندگی فیلوکتتس چه در شکل ابتدایی و چه در شکل کامل آن در قالب اندیشه سوفکل در قالب نمایشنامه نوشته شده است.

### ۲-۲-۴. معنایی

#### ۱-۲-۲-۴. انگیزه دو قهرمان

آرش به دلخواه خود، این مسئولیت را می‌پذیرد و با دلخوشی به آن افتخار می‌کند؛ اما فیلوکتتس به دلیل کینه‌ای که از اودوسئوس و آگاممنون<sup>۱</sup> و دیگران دارد، به راحتی حاضر نمی‌شود با آن‌ها به تروا برود؛ راضی‌کردن او به پذیرش چنین افتخاری، خود ماجرا و فراز بزرگی از یک نمایشنامه را شکل می‌دهد. در هر صورت، هر چند پذیرش مسئولیت تیرانداختن دلخواه یا اکراه‌انگیز از سوی دو قهرمان در دو داستان متفاوت است؛ نمی‌توان انگیزه آرش را با فیلوکتتس برابر دانست (ندوشن‌اسلامی، ۱۳۵۴: ۱۷۲؛ زرین‌کوب، ۱۳۶۹: ۲۰۲-۲۰۳؛ ژیران، ۱۳۷۵: ۱۶۷-۱۶۸).

#### ۲-۲-۲-۴. تفاوت دو نبرد از منظر ارزش‌های ملی

تیری که آرش آن را پرتاب می‌کند، مقاومت ملتی را با پیروزی به پایان می‌رساند، محاصره شکسته می‌شود و دشمن به مرز جدید عقب می‌نشیند؛ اما تیر فیلوکتتس، مقاومت ملتی را با شکست به پایان می‌رساند؛ پاریس کشته می‌شود، دیوارهای تروا فرو می‌ریزند، و مقاومت اهالی تروا با شکست به پایان می‌رسد. تیر آرش در دفاع از خود و مرزهای خویش پرتاب می‌شود؛ اما تیر فیلوکتتس در هجوم به هستی و مرزهای دیگران.

#### ۳-۲-۲-۴. تفاوت در پایان کار دو طرف نبرد

تیر آرش باعث خون‌ریزی و کشتار نمی‌شود. شادی می‌آفریند، مرزهای جدید شکل می‌گیرد

1. Agamemnon



و سرانجام قوم مهاجم و قوم مدافع هر دو با رضایت تمام، به مرزهای جدید تن در می‌دهند؛ اما تیر فیلوکتتس خون پاریس - زیباترین شاهزاده تروایی - را بر زمین می‌ریزد، دیوارهای مقاومت را فرو می‌شکند و برای ترواییان نکبت و بدبختی می‌آفریند و شهر تروا در آتش و دود می‌سوزد، دختران و زنان به اسارت در می‌آیند، مردان کشته می‌شوند و حتی کودک خردسال هکتور<sup>۱</sup> نیز از فراز دیوارها به پایین انداخته می‌شود.

#### ۴-۲-۴. تفاوت در پایان کار دو قهرمان

آرش، برای آمال ملتش، از همه چیز خود می‌گذرد حتی از جانش. او همچنان که تیرش از چله کمان رها می‌شود، خود نیز بر فراز البرز، از اسارت دنیا و تن رهایی می‌یابد؛ اما فیلوکتتس پس از نبرد به غنایم بسیار دست می‌یابد، با شادی و ثروت به شهر خود برمی‌گردد، یکی از قهرمانان خوشبخت جنگ تروا می‌شود و سرانجام نیز در بنیان‌گذاری تمدنی که باید جانشین شکوه یونان شود، شرکت می‌جوید.

#### ۵. نتیجه‌گیری

بررسی تطبیقی اسطوره‌شناسانه دو داستان آرش و فیلوکتتس این نکته را روشن می‌سازد که اسطوره آرش به‌رغم گزارش کوتاهی که از آن در دست داریم، به دلیل انگیزه قهرمان اصلی وی در دفاع از وطن و جان‌باختن در راه آن، محبوب‌تر از همتای یونانی‌اش جلوه می‌کند. آرش آگاهانه و با انگیزه‌ای ملی، درصدد دفاع از کیش، مرز و هستی خود است؛ اما همتای یونانی او با انگیزه‌ای به‌نسبت کم‌رنگ‌تر - برای بازگرداندن زنی فریب‌خورده و ربوده‌شده - درصدد تهاجم است. به همین دلیل است که ما می‌توانیم قدرت تجدید حیات و برانگیزانندگی اسطوره آرش را در روزگار معاصر بهتر تحلیل کنیم؛ امری که در اسطوره فیلوکتتس کمتر به چشم می‌آید. در جدول‌های زیر شباهت‌ها و تفاوت‌های این دو اسطوره برای نتیجه‌گیری نشان داده شده است:

1. Hector



جدول ۱ شباهت‌های دو داستان

فیلوکتئس	آرش	قهرمانان	
		نوع شباهت	
سلاح فیلوکتئس، کمان است.	سلاح آرش، کمان است.	سلاح	ساختاری
کمان فیلوکتئس هدیه آپولو، پسر زئوس، است.	کمان به دستور اسفندار مذ ساخته شده است.	نیروهای مافوق بشری	
فیلوکتئس به فرمان زئوس، خدای خدایان یونان، تیر را به سوی هدف پرتاب می‌کند.	تیر آرش به دستور خداوند و توسط باد به سوی هدف پرواز می‌کند.	دخالت خدایان	
فیلوکتئس پیش از رفتن به تروا، ده سال در جزیره لمنوس زندگی می‌کرد که جزیره تمامی اسطوره‌ها و محل رویش علف‌های معجزه‌آسا بود.	آرش با مکانی اسطوره‌ای و مقدس ارتباط دارد. تیراندازی وی بر فراز یکی از قلعه‌های کوه البرز انجام می‌پذیرد.	ارتباط با مکان اسطوره‌ای	
فیلوکتئس برگزیده خدایان است و به دستور زئوس به تروا می‌رود.	آرش، قهرمانی بادیانت است و لقب شیوا برای وی نشان از همین تقدس اوست.	ارتباط با امر قدسی	
تیر فیلوکتئس، جنگ ده‌ساله یونانی‌ها و تروایی‌ها را به پایان می‌رساند.	تیر آرش، جنگ دوازده‌ساله ایران و توران را پایان می‌دهد.	جنگ فرسایشی	معنایی
تیر فیلوکتئس، لشکر محاصره‌کننده یونان را از بلا تکلیفی نجات می‌دهد و لشکر محاصر شده تروا را به سوی شکست سوق می‌دهد.	تیر آرش، لشکر محاصره شده ایران را از محاصره نجات می‌دهد و جنگ را به نفع ایرانیان محاصر شده به پایان می‌رساند.	محاصره	
پایان کار فیلوکتئس، مینوی است	پایان کار آرش، مینوی است	پایان کار قهرمانان	
حضور داستان فیلوکتئس در ایلیاد و اودیسه کمرنگ است؛ اما آثار هنری بسیاری براساس این داستان در ادبیات غرب آفریده شده است	به‌رغم عدم حضور داستان آرش در حماسه ملی ایرانیان، شاهنامه، این داستان بر آثار بعد از خود تأثیر گذاشته و ده‌ها اثر حول داستان آرش در زبان فارسی آفریده شده است	تأثیر بر ادبیات پس از خود	

جدول ۲. تفاوت‌های دو داستان

فیلوکتتس	آرش	قهرمانان	
		نوع تفاوت	
داستان فیلوکتتس، در یونان و تروا (ترکیه امروزی) اتفاق افتاده است.	داستان آرش در شمال و شمال شرقی فلات ایران، در مرزهای ایران و توران اتفاق افتاده است.	مکان	ساختاری
روایت شفاهی فیلوکتتس، به تاریخ فتح تروا در سال ۱۱۸۴ پ.م و تاریخ نخستین روایت مکتوب آن به قرن هشتم پ.م مربوط است. در این دوره، یونان دارای وحدت ارضی و ملی نبوده، شهرهای آن به صورت مستقل اداره می‌شده، و بعضاً یک منطقه دارای دو پادشاه بوده است. این دوره، عصر فرمانروایی خدایان بر یونان بوده است.	روایت شفاهی آرش، در دوره منوچهر پیشدادی اتفاق افتاده و نخستین بار در قرن نهم یا هشتم پ.م مکتوب شده است. در این دوره، ایران دارای وحدت ملی و سرزمینی بوده و یک پادشاه بر آن فرمانروایی می‌کرده است. این دوره، عصر یکتاپرستی ایرانیان، دوره زردشت، بوده است.	زمان و ویژگی‌های آن	
داستان فیلوکتتس در قالب نمایشنامه است.	داستان آرش در قالب حکایت کوتاه است.	قالب	
فیلوکتتس تا فرمان زئوس را نشیده، حاضر نمی‌شود پا به میدان بگذارد تا هلن فریب‌خورده و به شوی خویش خیانت کرده را آزاد کند.	آرش به دلخواه خود پا به میدان می‌گذارد تا خاک از دست‌رفته وطن را بازپس گیرد.	انگیزه دو قهرمان	معنایی
تیر فیلوکتتس مقاومت ملتی محاصره شده را - تروا - با شکست به پایان می‌رساند.	تیر آرش مقاومت ملتی محاصره شده را - ایران - با پیروزی به پایان می‌رساند.	ارزش‌های ملی	
تیر فیلوکتتس به خون‌ریزی و کشتار دامن می‌زند و موجب قتل و غارت می‌شود.	تیر آرش از خون‌ریزی و کشتار جلوگیری می‌کند.	پایان دو طرف نبرد	
فیلوکتتس در پایان جنگ با شادی و غنیمت فراوان به وطن خود بازمی‌گردد.	پایان کار آرش به مرگی خودآگاه منجر می‌شود.	پایان دو قهرمان	



## ۶. قدردانی

از جناب آقای دکتر حسن ذوالفقاری برای اظهارنظر سودمند و اصلاحی و سرکار خانم معصومه مهدی‌پور برای تهیه برخی منابع لاتین، سپاسگزاری می‌شود.

## ۷. پی‌نوشت‌ها

۱. ادبیات تطبیقی «به طور خلاصه عبارت است از بررسی ادبیات ملی و روابط تاریخی آن با ادبیات ملت‌های دیگر، بررسی چگونگی این ارتباط و تأثیرپذیری آن‌ها از یکدیگر، و تأثیرگذاری آن‌ها بر یکدیگر» (ندا، ۱۳۸۰: ۱۰) برای دیدن تعاریف دیگر و شناخت ویژگی‌های دو مکتب شاخص این رویکرد، یعنی مکتب فرانسوی و امریکایی، ر.ک: کفافی، ۱۳۸۲: ۱۸-۲۴؛ غنیمی هلال، ۱۳۷۳: ۳۵-۳۷ و برای دیدن تاریخ ادبیات تطبیقی ایران و جهان ر.ک: عبداللهی و دیگران، ۱۳۸۴: ۲۵۸-۲۷۵.
۲. سوفوکل (Sophocles)، یکی از سه نمایشنامه‌نویس بزرگ کلاسیک یونان، در سال ۴۹۷ پ.م، در دهکده‌ای واقع در شمال غربی آتن متولد شد. از میان ۱۲۳ نمایشنامه‌ای که سوفوکل نوشته، فقط هفت اثر شهرت یافته و مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است: *اودیپوس رکس* (*Oedipus Rex*) یا *تیرانوس* (*Oedipus Tyrannus*)، معروف به *اودیپوس‌شاه*، فاخرترین و کامل‌ترین تراژدی یونانی؛ *اودیپوس کلنوس* (*Oedipus Coloneus*)؛ *الکترا* (*Electra*) و نیز *آنتی‌گونه* (*Antigone*) مشهورترین نمایشنامه‌های او هستند. *آژاکس* (*Ajax*)، *زنان تراخین* (*Trachinian Women*) و *فیلوکتس* (*Philoctetes*) نیز از آثار خوب سوفوکل به شمار می‌روند. (Luce, 1982: 1/179-181; Grote, 2000: 1/278-287; Norton, 1994: 9/17)
۳. برای اطلاع بیشتر از اسطوره و اسطوره‌شناسی ر.ک: لی، ۱۳۸۴: ۳۴-۳۵؛ داد، ۱۳۸۳: ۳۴-۳۶؛ روتون، ۱۳۸۱: ۲۵-۳۷؛ اسماعیل‌پور، ۱۳۸۴: ۳۹۲-۳۹۴.
۴. درباره‌ی آرشی مقالات زیادی در چهار دهه‌ی اخیر در ایران نوشته شده است که مقاله «آرشی» در *دانشنامه‌ی ایران و اسلام* (۱۳۵۴: ۷۷/۱-۷۹) از دکتر فضل‌ی هنوز پس از گذشت سی و پنج از تألیف آن، بیشک از بهترین مقالات تحقیقی نوشته شده در این زمینه است. در سال ۱۹۸۶ در جلد دوم *دانشنامه‌ی ایرانیکا* (Encyclopedia Iranica) مقاله‌ای با نام «آرشی»

(Āraš) ذیل دو بخش «آرش در ادبیات کهن (Āraš in Older Literature)» به قلم دکتر تفضلی (۲۶۶-۲۶۷) و «آرش در ادبیات معاصر» (Āraš in Modern Literature) به قلم ویلیام هنوی (W. L. Hanaway) (۲۶۷) چاپ شده است. مقاله دکتر تفضلی، با اندکی تغییرات و تلخیص، همان مقاله قبلی وی در *دانشنامه ایران و اسلام* است. مقالات دیگری نیز در این زمینه وجود دارد؛ اما از آنجا که در راستای این پژوهش نیست از ذکر آن‌ها خودداری می‌کنیم؛ ولی شایسته است از مقاله «آرش» تألیف ابوالفضل خطیبی در *دانشنامه زبان و ادب فارسی* (۱۳۸۴: ۴۲/۱-۴۴) یاد کنیم. ساختار اصلی این مقاله نیز براساس مقاله پیش‌گفته از تفضلی و هنوی است. در مقاله هنوی یک اشتباه وجود دارد که از سوی خطیبی نیز تکرار شده. در آن مقاله، کتاب *حماسه آرش* از مهرداد اوستا نادرست معرفی شده است. این کتاب در قالب دوبیتی نو (۱۱۴ دوبیتی) و بر وزن هزج مسدس محذوف (مفاعیلن مفاعیلن فعولن) سروده شده است نه در قالب مثنوی و در بحر رمل، آنگونه که هنوی نوشته است. ضمناً، کتاب تاریخ چاپ ندارد و تاریخ مقدمه آن به قلم ن. میرزازاده اسفند ۱۳۴۳ است. در مقاله هنوی سال چاپ ۱۳۴۴ است.

۵. افسانه فیلوکتس را، که در مجموعه افسانه‌های تروایی (Trojan Cycle) جا می‌گیرد، سه تراژدی‌نویس بزرگ یونان به نام‌های آشیل (Aeschylus)، اورپیدس (Euripides) و سوفوکل (Sophocles) به شکل‌های مختلف تحریر کرده‌اند که کامل‌ترین شکل آن در روایت سوفوکل دیده می‌شود. برای آگاهی از تفاوت سه تحریر یادشده ر.ک: (Haigh, 1986: 194-8; Grant & Hazel, 2002: 269-272; De Remily, 1985:66-75; Norton, 1994: 9/386-387)

۶. در اسطوره‌های هند و ایرانی، ویشنو یکی از خدایان شمرده می‌شود. به نظر می‌رسد این خدا در شاخه ایرانی آن، در کسوت آرامش کمانگیر ظاهر شده است. ویشنو طی نبردی سرزمین غصب‌شده خدایان را بازپس می‌گیرد، او دارای نیروی حفظ و حراست است، قائم به ذات و مستولی بر همه چیز است، هرگاه قوای شر بقای عالم را به خطر می‌اندازند، از جای خود برمی‌خیزد و به حمایت و حفظ عالم می‌شتابد. همتای ایرانی او، آرش نیز سرزمین غصب‌شده ایران را از سلطه افراسیاب و توران، رهایی می‌بخشد (یاحقی، ۱۳۷۵: ۴۳۸).

## ۸. منابع

- آموزگار، ژاله. (۱۳۸۸). «تاریخ اساطیری ایران» در *تاریخ ایران باستان*. ج ۱. چ ۷. تهران:



سمت.

- ابن اثیر، عزالدین ابوالحسن. (۱۳۷۴). *تاریخ کامل*. برگردان دکتر سیدمحمدحسین روحانی. ج ۱. چ ۲. تهران: انتشارات اساطیر.
- ابوحنیفه دینوری، احمدبن داوود. (۱۳۴۶). *اخبار الطوال*. ترجمه صادق نشأت. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- ابوریحان بیرونی. (۱۳۵۲). *آثارالباقیه*. ترجمه اکبر داناسرشت. تهران: ابن سینا.
- اسلامی ندوشن، محمدعلی. (۱۳۵۴). *آواها و ایماها*. تهران: توس.
- اسماعیل پور، ابوالقاسم. (۱۳۸۴). «اسطوره» در *دانشنامه زبان و ادب فارسی*. به سرپرستی اسماعیل سعادت. ج ۲. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی. صص ۳۹۲-۳۹۴.
- الیاده، میرچاده. (۱۳۶۲). *چشم‌اندازهای اسطوره*. ترجمه جلال ستاری. تهران: فکر روز.
- انوری، حسن (به سرپرستی). (۱۳۸۲). *فرهنگ بزرگ سخن*. ج ۱. چ ۲. تهران: سخن.
- انیس، ابراهیم و دیگران. (۱۳۷۲). *المعجم الوسیط*. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- اوستا، مهرداد. (۱۳۴۳) تاریخ مقدمه. *حماسه آرش*. با مقدمه نعمت میرزازاده. مشهد: توس.
- اوشیدری، جهانگیر. (۱۳۷۱). *دانش‌نامه مزدیسنا: واژه‌نامه توضیحی آیین زردشت*. تهران: نشر مرکز.
- بلعمی، ابوعلی. (۱۳۴۱). *تاریخ بلعمی*. به تصحیح محمدتقی بهار. به کوشش محمد پروین گنابادی. تهران: وزارت فرهنگ.
- بهاءالدین محمدبن حسن بن اسفندیار. (۱۳۲۰). *تاریخ طبرستان*. به کوشش عباس اقبال آشتیانی. ج ۱. تهران: کلاله خاور.
- بهار، مهرداد. (۱۳۷۵). *پژوهشی در اساطیر ایران*. تهران: آگه.
- ———. (۱۳۷۶). *از اسطوره تا تاریخ*. گردآورنده و ویراستار دکتر ابوالقاسم اسماعیل پور. تهران: چشمه.
- بیضایی، بهرام. (۱۳۵۶). *آرش*. تهران: نیلوفر.
- پورداود، ابراهیم. (۱۳۵۶). *بشت‌ها*؛ به کوشش دکتر بهرام فره‌وشی؛ تهران: دانشگاه تهران.

- پورنامداریان، تقی. (۱۳۶۷). *رمز و داستان‌های رمزی در ادب فارسی*. تهران: علمی و فرهنگی.
- پوریا، ارسلان. (۱۳۵۷). *آرش شیواتیر*. تهران: نشر توکا.
- تفضلی، احمد. (۱۳۵۴). «آرش» در *دانشنامه ایران و اسلام*. زیر نظر احسان یارشاطر. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- ----- (۱۳۷۸). *تاریخ ادبیات ایران پیش از اسلام*. به کوشش دکتر ژاله آموزگار. چ ۳. تهران: سخن.
- ثعالبی، ابومنصور. (۱۳۲۸-۱۳۲۹). *شاهنامه ثعالبی در شرح احوال سلاطین ایران*. ترجمه محمود هدایت. تهران: چاپخانه مجلس.
- حمدالله مستوفی. (۱۳۶۲). *تاریخ گزیده*. به اهتمام دکتر عبدالحسین نوایی چ ۲. تهران: امیرکبیر.
- حمزه اصفهانی. (۱۳۴۶). *تاریخ پیامبران و شاهان (سنی ملوک‌الارض و الانبیاء)*. ترجمه دکتر جعفر شعار. تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- خالقی مطلق، جلال. (۱۳۸۶). «حماسه» در *دانشنامه زبان و ادب فارسی*. به سرپرستی اسماعیل سعادت. چ ۲. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی. صص ۷۴۵-۷۳۸.
- خدایار، ابراهیم. (۱۳۷۵). «تطبیق حماسه آرش کمانگیر و فیلوکتت» *هفته‌نامه آزادی*. س ۱. ش ۳. صص ۱۰.
- خطیبی، ابوالفضل. (۱۳۸۴). «آرش» در *دانشنامه زبان و ادب فارسی*. به سرپرستی اسماعیل سعادت. چ ۲. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی. صص ۴۲-۴۴.
- خواندمیر، غیاث‌الدین. (۱۳۵۳). *حبیب‌السییر*. زیر نظر دکتر محمد دبیرسیاکی. چ ۱. چ ۲. تهران: خیام.
- داد، سیما. (۱۳۸۳). *فرهنگ اصطلاحات ادبی*. و ۲. چ ۲. تهران: مروارید.
- دوستخواه، جلیل. (۱۳۶۴). *اوستا*. از گزارش ابراهیم پورداوود. چ ۲. تهران: مروارید.
- رستگارفسائی، منصور. (۱۳۷۹). *فرهنگ نام‌های شاهنامه*. چ ۱. چ ۲. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- رضی، هاشم. (۱۳۴۶). *فرهنگ نام‌های اوستا*. چ ۱. تهران: انتشارات فروهر.



- روتون، ک. ک. (۱۳۸۱). *اسطوره*. ترجمه دکتر ابوالقاسم اسماعیل پور. چ ۲. تهران: نشر مرکز.
- زرین کوب، عبدالحسین. (۱۳۶۹). *ارسطو و فن شعر*. چ ۲. تهران: امیرکبیر.
- ژیران، ف. (۱۳۷۵). *فرهنگ اساطیر یونان*. ترجمه دکتر ابوالقاسم اسماعیل پور. تهران: فکر روز.
- سوفوکل. (۱۳۷۵). *الکترا، فیلوکتتس، زنان تراخیس، آژاکس*. ترجمه محمد سعیدی. تهران: علمی و فرهنگی.
- شفیع کدکنی، محمدرضا. (۱۳۵۲). «انواع ادبی و شعر فارسی». *مجله خرد و کوشش شیراز*. دوره ۴. دفتر ۳ و ۴.
- شورل، ایو. (۱۳۸۶). *ادبیات تطبیقی*. ترجمه دکتر طهمورث ساجدی. تهران: امیرکبیر.
- صفا، ذبیح الله. (۱۳۵۲). *حماسه سرایی در ایران*. چ ۳. تهران: امیرکبیر.
- طبری، ابوجعفر محمد بن جریر بن یزید. (۱۳۷۵). *تاریخ طبری*. مترجم ابوالقاسم پاینده. ج ۱. چ ۵. تهران: اساطیر.
- عبداللهی، علی و دیگران. (۱۳۸۴). «ادبیات تطبیقی» در *دانشنامه زبان و ادب فارسی*. به سرپرستی اسماعیل سعادت. ج ۲. تهران: فرهنگستان زبان و ادب فارسی. صص ۲۵۸-۲۷۵.
- عفیفی، رحیم. (۱۳۸۳). *اساطیر و فرهنگ ایرانی*. تهران: توس.
- فرنیغ دادگی (گردآورنده). (۱۳۶۹). *بندش*. گزارنده مهر داد بهار. تهران: توس.
- کات، یان. (۱۳۷۷). *تفسیری بر تراژدی های یونان باستان*. ترجمه داود دانشور و منصور ابراهیمی. تهران: سمت، ۱۳۷۷.
- کسرای، سیاوش. (۱۳۸۰). *آرش کمانگیر*. تهران: نشر نادر.
- کفافی، محمد عبدالسلام. (۱۳۸۲). *ادبیات تطبیقی: پژوهشی در باب نظریه ادبیات و شعر داستانی*. ترجمه سید حسین سیدی. مشهد: به نشر.
- کیا، صادق. (۱۳۴۵). *ماه فروردین روز خرداد، متن پهلوی و ترجمه فارسی با واژه نامه و چند یادداشت*. تهران: ایران کوده. ش ۱۶.
- گریفین، جسیپر. (۱۳۷۶). *هومر*. ترجمه عبدالله کوثری. تهران: طرح نو.



- گریمال، پیر. (۱۳۵۶). *فرهنگ اساطیر یونان و رم*. ترجمه دکتر احمد بهمنش. ج ۲. تهران: امیرکبیر.
- لنسلین گرین، راجر. (۱۳۶۸). *افسانه ترا؛ ترجمه عباس آقاجانی*. تهران: سروش.
- لی، ای، آلوین. (۱۳۸۴). «اسطوره» در *دانشنامه نظریه‌های ادبی معاصر*. ایرنا ریما مکاریک. ترجمه مهران مهاجر و محمد نبوی. تهران: آگه. صص ۳۴-۳۵.
- *مجموعه‌التواریخ و القصص*. (۱۳۱۸). به تصحیح ملک‌الشعراء بهار. تهران: کلاله خاور.
- مسعودی، ابوالحسین. (۲۵۳۶). *مروج الذهب و معادن الجواهر*. ترجمه ابوالقاسم پاینده. ج ۱. چ ۲. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- معین، محمد. (۱۳۶۲). *فرهنگ فارسی*. ج ۱. چ ۸. تهران: امیرکبیر.
- مقدسی، مطهرین طاهر. (۱۳۷۴). *آفرینش و تاریخ*. ج ۳. ج ۱. مقدمه و ترجمه و تعلیقات از دکتر محمدرضا شفیعی کدکنی. تهران: آگه.
- منہاج، سراج. (۱۳۶۳). *طبقات ناصری یا تاریخ ایران و اسلام*. به تصحیح و مقابله و تحشیه عبدالحی حبیبی. ج ۱. تهران: دنیای کتاب.
- میرخواند، محمدبن خاوندشاه‌بلخی. (۱۳۷۵). *روضه‌الصفاء*. تهذیب و تلخیص از دکتر عباس زریاب. چ ۲. تهران: انتشارات علمی.
- *مینوی خرد*. (۱۳۶۴). ترجمه دکتر احمد تفضلی. چ ۲. تهران: توس.
- ندا، طه. (۱۳۸۰). *ادبیات تطبیقی*. ترجمه دکتر زهرا خسروی. تهران: فرزانه روز.
- ولک، رنه و آستین وارن. (۱۳۸۲). *نظریه ادبیات*. ترجمه ضیاء موحد و پرویز مهاجر. چ ۲. تهران: علمی و فرهنگی.
- هلال، محمدغنیمی. (۱۳۷۳). *ادبیات تطبیقی: تاریخ و تحول، اثرپذیری و اثرگذاری فرهنگ و ادب اسلامی*. ترجمه و تحشیه و تعلیق از مرتضی آیت‌الله‌زاده شیرازی. تهران: امیرکبیر.
- هومر. (۱۳۳۷). *اودیسه*. ترجمه سعید نفیسی. چ ۹. تهران: علمی و فرهنگی.
- ----. (۱۳۴۹). *ایلیاد*. ترجمه سعید نفیسی. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- یاحقی، محمدجعفر. (۱۳۷۵). *فرهنگ اساطیر و اشارات داستانی در ادبیات فارسی*. چ ۲.



تهران: انتشارات سروش و پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

- یارشاطر، احسان. (۱۳۳۷). *داستان‌های ایران باستان*. تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- یعقوبی، احمدبن ابی‌یعقوب. (۱۳۷۴). *تاریخ یعقوبی*. ترجمه محمدابراهیم آیتی. تهران: علمی و فرهنگی.
- De Remily, Jacqueline. (1985). *A short History of Greek Literature*. Trans. By Lillian Doherty. Chicago: University Press.
- Grant, M. & Hazel, John. (2002). *Who's Who in classical Mythology*. London & New York: Routledge.
- Grote, George. (2000). *A History of Greece*. Vol.1. London: Thoemmes Press.
- Haigh. A.E. (1986). *The Tragic Drama of the Greeks*, Oxford; Clarendon press. 29 Aug 2008, [Online] from <http://www.theatredatabase.com> [29 Aug 2009].
- "Philoctetes" 6 October 2008 [Online] From <http://www.reference.com> [04 Sep. 2010].
- Hanaway, W.L. (1986). "Āraš in Modern Literature" in *Encyclopedia Iranica*. Vol. 2. Fasc. 3. London, Boston & Henley: Routledge and Kegan Paul. P. 267.
- Luce, T. James. (1982). *Ancient Writers Greece and Rome: Homer to Caesar*. Vol. I. New York: Charles Scribner's Sons.
- Norton, P.B. (Ed.) (1994), *The New Encyclopedia Britannica*. Vol. 9 & 1. 15<sup>TH</sup> Edition, Chicago: Encyclopedia Britannica, Inc.
- Parada, carlos. (1997). *the Greek Mythology Link*. [Online] from <http://homepage.mac.com/cparada/GML/Philoctetes.html> [29 Aug 2008].
- Tafazzoli, A. (1986). "Āraš in Older Literature" in *Encyclopedia Iranica*. Vol. 2. Fasc. 3. London, Boston & Henley: Routledge and Kegan Paul. PP. 266-7.
- Yarshater, Ehsah (Ed.). (1986). *Encyclopedia Iranica*. Vol. 2. Fasc. 3. London, Boston & Henley: Routledge and Kegan Paul.